



علیه اعدام

شماره

۱

۴ فروردین ۱۳۸۳

۲۴ مارس ۲۰۰۵

منشور بین المللی علیه اعدام

- اعدام قتل عمد است. مجازات رایج کردن فرهنگ سهل و آسان قتل با مردم، جنایت علیه بشریت است و قرون وسطایی، در همه کشورها - در کشورهای اسلام زده، قتل و باید محکوم و مطرود اعلام شود. محکوم و مردود اعلام شود. - قصاص یک وسیله مهم دولتهای - دولتهای سرمایه داری حاکم، اسلام و باندهای ترور اسلامی در جهان اعدام را یک نوع مجازات و وسیله عقب راندن مردم در این کشورها و جنایت، اعلام و آنرا تبلیغ و اجرا عبرت و یا محافظت جامعه از جرم است. میکنند. تاثیر عملی اعدام، شلاق زدن، چشم در آوردن و دست و پا بریدن و شکنجه و اعدام و احکام اعدام یک حربه مهم در ایجاد رسمیت دادن به قتل، اعلام بی سنسار روشهای وحشیانه و قرون ترس در جامعه و عقب راندن مردم ارزشی حیات و حرمت انسانها و وسطایی است که در این کشورها است.

پیرامون انتشار نشریه علیه اعدام



فرشاد حسینی

در مقیاس موج گسترده جنایت دولتی تحت عنوان اعدام جای یک نشریه ای که بطور ویژه به این موضوع اختصاص یابد و ابعاد و دولتی موضوع اعدام و جنبش ریشه های این جنایات را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد کاملاً بررسی و تحلیل قرار دهد. نشریه ای خالی بود. نشریه ای که با درج که قتل

ادامه در صفحه ۳

اخطار به جمهوری اسلامی ایران

کبرا را نخواهیم گذاشت اعدام کنید

جمهوریاسلامیایران با براه انداختن بساط اعدام در شهرهایایران، مجددا میکوشد، سنجر حکومت کشاندن پایخانواده مقتولین به ماجرا است. همان حکومتیکه در دادگاهش کبرا به اعدام محکوم شده، باید همان دستگاه و همان حکومت نیز، این حکم را لغو کند و سرنوشت مرگ و زندگیکبرا نباید به عواطف و احساسات و رفتار خانواده عفو" خانواده مقتول گره زد. در دو جلسه " شورایحل اختلاف" بدلیل مخالفت خانواده مقتول با لغو حکم اعدام، ظاهراً زمینه برایاجرایحکم فراهم تر شده است. ما بارها اعلام کرده ایم که این یک بازسیاسیاست که

حکومت به پیش میبرد. وقتیبه احکام جنایتکارانه اعدام اعتراض میشود، آخرین سنجر حکومت کشاندن پایخانواده مقتولین به ماجرا است. همان حکومتیکه در دادگاهش کبرا به اعدام محکوم شده، باید همان دستگاه و همان حکومت نیز، این حکم را لغو کند و سرنوشت مرگ و زندگیکبرا نباید به عواطف و احساسات و رفتار خانواده مقتول گره زده شود. براینجات کبرا از اجرایحکم اعدام باید یکبار دیگر متحذانه و قهرتمند به میدان آمد. ما نباید بگذاریم کبرا را اعدام کنند. سهم کبرا از زندگیقهر و ناریو شکنجه و عذاب و تحقیر و توهین بوده است. کبرا اکنون پنج سال است که در زندان بسر میبرد و هر روز با کابوس مرگ دست و پنجه نرم میکند. تا همین حد اثرات روانیو جسمیاین رفتار وحشیانه تا آخر عمر بریکبرا باقیخواهد ماند. بیاید دست در دست هم دهیم و کبرا را نجات دهیم. بهر طریق ممکن به این حکم وحشیانه در ایران اعتراض کنید. به کمپین نجات کبرا پیونید و کاریکنید تا حکم اعدام کبرا رسماً ملغی شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۷ مارس ۲۰۰۵

جمهوری اسلامی ایران دو نفر را بجرم همجنسگرایی به اعدام محکوم کرد

روزنامه اعتماد در تاریخ ۱۵ مارس بسیاری از همجنسگرایان را خبر داد که دومیرد بدلیل رابطه دستگیر و شکنجه و یا اعدام و جنسی در یک دادگاه حکومت سنگسار کرده است. اسلامی به اعدام محکوم شده اند. دخالت در روابط جنسی انسانها، رفتار وحشیانه حکومت اسلامی در یک رفتار وحشیانه و ارتجاعی مقابل همجنسگرایان در ایران بر حکومت اسلامی است که تا کنون کسی پوشیده نیست. این حکومتی هزاران نفر را قربانی کرده است. است که رسماً از اذیت و آزار حکومت مدافع بربریت اسلامی، همجنسگرایان و از اعدام و سنگسار حکومت مدافع آپارتاید جنسی و آنان دفاع کرده و تا کنون تعداد سرکوب زنان

ادامه در ص ۴

اطلاعیه های کمیته بین المللی علیه اعدام

علیه اعدام پا خیزید
ص ۳

مجازات اعدام شیخ ترین شکل قتل عمد است
مصاحبه خاواران با منصور حکمت
ص ۵

زیر تیغ اعدام

منوچهر ماسوری
ص ۶

بیانیه اعلام موجودیت کمیته بین المللی علیه اعدام

اعدام شنیع ترین رفتار با انسانها در دنیا است. اعدام، قتل عمد است و باید در سراسر جهان بر علیه آن و برای لغو آن مبارزه کرد. جنبش علیه اعدام در ایران روز به روز گسترش می یابد. سیاسی بطور کلی دارد. تا کنون جمهوری اسلامی ایران، اعدام، همکاری از نزدیک داشته دهها هزار نفر را اعدام کرده است. جنبش علیه اعدام در ایران روز به روز گسترش می یابد. حمایت کند.

اعدام شنیع ترین رفتار با انسانها در دنیا است. اعدام، قتل عمد است و باید در سراسر جهان بر علیه آن و برای لغو آن مبارزه کرد. جنبش علیه اعدام در ایران روز به روز گسترش می یابد. سیاسی بطور کلی دارد. تا کنون جمهوری اسلامی ایران، اعدام، همکاری از نزدیک داشته دهها هزار نفر را اعدام کرده است. جنبش علیه اعدام در ایران روز به روز گسترش می یابد. حمایت کند.

اعدام شنیع ترین رفتار با انسانها در دنیا است. اعدام، قتل عمد است و باید در سراسر جهان بر علیه آن و برای لغو آن مبارزه کرد. جنبش علیه اعدام در ایران روز به روز گسترش می یابد. سیاسی بطور کلی دارد. تا کنون جمهوری اسلامی ایران، اعدام، همکاری از نزدیک داشته دهها هزار نفر را اعدام کرده است. جنبش علیه اعدام در ایران روز به روز گسترش می یابد. حمایت کند.

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۴ دسامبر ۲۰۰۴

به حکم اعدام سید محمد میم جوان ۱۸ ساله در ایران اعتراض کنید

به کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا رونوشت: سازمان عفو بین الملل و مطبوعات

جمهوری اسلامی ایران در آستانه سال نو در ایران، قصد اعدام یک نوجوان ۱۸ ساله را دارد. سید محمد میم دو سال قبل در جریان یک نزاع با هم کلاسی هایش، در حالیکه طرفین دست به چاقو برده بودند، باعث مرگ یک نفر میشود. جمهوری اسلامی ایران وی را دستگیر و روانه زندان بزرگسالان میکند. اکنون که دو سال از آن ماجرا گذشته و محمد

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۹ مارس ۲۰۰۵

کنگره حزب چپهای سبز هلند حکم اعدام کبری رحمانپور را محکوم کرد

دیروز شنبه ۱۹ ماه مارس کنگره حزب چپهای سبز هلند در شهر رتردام هلند برگزار شد فرشته مرادی از فعالین کمپین علیه اعدام در مورد کبری رحمانپور وضعیت اسفبار زندگی او و حکم اعدام که جمهوری اسلامی برایش تعیین کرده است سخن گفت و خواهان محکومیت این حکم از طرف کنگره گردید.

ابتدا اطلاعیه کمیته علیه اعدام به تعداد ۵۰۰ نسخه در میان شرکت کنندگان پخش گردید در این اطلاعیه آمده است: "کبری رحمانپور یکی از قربانیان فقر محرومیت و سیاستهای زن ستیز جمهوری اسلامیست. امروز به یمن فعالیتهای گسترده در ایران و خارج از کشور نام و چهره کبری برای میلیونها نفر شناخت. جمهوری اسلامی قصد اعدام کبری رحمانپور را دارد. به ما کمک کنید کبری را نجات دهیم." فرشته مرادی در معرفی قطعنامه

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۹ مارس ۲۰۰۵

سر دبیر نشریه علیه اعدام

فرشاد حسینی

تلفن: ۰۰۳۱۶۱۳۹۴۰۵۳۴

فاکس: ۰۰۱۷۳۴۵۳۸۶۱۶۵

ای میل:

farshadhoseini@yahoo.com

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام

مینا احدی

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

ای میل:

minaahadi@aol.com

منشور بین المللی علیه اعدام

ادامه از صفحه اول

-مراجع و مقامات صادر کننده حکم اعدام

باید مجرم شناخته شوند و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه گردند.

ما برای دنیایی عاری از فقر و جهل و کشتار و قتل عمد انسانها مبارزه میکنیم و احترام به حق حیات و حرمت انسانها را يك اصل تخطی ناپذیر در پیشرفت مدنیت جامعه میدانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۷ دسامبر ۲۰۰۴

کمیته بین المللی علیه اعدام اعلام میدارد که احکام و مجازات اعدام در همه جا باید فوراً لغو شود. جامعه بین المللی باید فوراً همه دولتها را موظف کند که حکم اعدام را ملغی و هیچ کسی را به هیچ بهانه ای نباید اعدام کنند.

-تبلیغ فرهنگ آدمکشی و بی احترامی به حق حیات انسانها، باید ممنوع و منسوخ شود.
-هر دولت و یا نهادی که اعدام را تبلیغ و اجرا نماید، باید فوراً با عکس العمل مراجع بین المللی روبرو شود.

علیه اعدام پیا خیزید

در ایران روزانه تعدادی به اعدام محکوم میشوند. در هفته های گذشته بیش از ۱۷ نفر به اعدام محکوم شده و هر روز تعدادی از این انسانها در مراکز شهرها به دار آویخته خواهند شد. این غیر قابل تحمل است، این وحشیگری آشکار است و نباید به آن عادت کرد. نباید در مقابل این جنایات سکوت کرد و نظاره گر بود. تجربه نشان داده است اگر اعتراض کنیم، حکومت اسلامی مجبور به عقب نشینی میشود و اگر سکوت کنیم، انسانهای بسیاری، عزیزان مردم را در مقابل چشمان همه ما بیشترمانه، به مرگ محکوم کرده و آنها را به قتل می رسانند. چه تعداد

عقب نشینی میشود و اگر سکوت کنیم، انسانهای بسیاری، عزیزان مردم را در مقابل چشمان همه ما بیشترمانه، به مرگ محکوم کرده و آنها را به قتل می رسانند. چه تعداد

مصاحبه با منصور حکمت در باره اعدام

ادامه از صفحه ۵

منصور حکمت: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی

و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفت با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست.

پیرامون انتشار نشریه علیه اعدام

ادامه از صفحه اول

آگاهانه و با برنامه دولتها را افشا کرده و حول آن بتواند جنبش عظیمی به ویژه در جامعه ایران بعنوان یکی از کانونهای مهم مرکز اعدام جهان راه انداخته و سازمان دهد.

نشریه علیه اعدام تریبونی است که در کنار درج اخبار مربوط به اعدام در ایران و جهان، پژواک صدای اعتراض بشریت مدرن و آزادیخواه و انسان دوست را نیز منعکس مینماید

علیه اعدام نشریه ای است علیه گرفتن حق حیات آدمی توسط نهادی که خود را مدافع منافع جامعه مینامد. تلاش میکند استدلالهای پوچ دولتها و مدافعین اعدام را به نقد کشیده و دفاع از حق زندگی را به محور فعلیتهای خود تبدیل کند.

نشریه علیه اعدام بعنوان نشریه کمیته بین

جاهد و کبرا رحمانپور و دیگران به خشم آمده و خواسته ایم کاری بکنیم. کمیته علیه اعدام نهاد و سازمانی است که به شما امکان میدهد به خشم و اعتراض خودتان بر علیه این آدمکشی آشکار حکومت جنایتکار اسلامی، جنبه عملی بخشیده و همگام و همراه با دیگران به این احکام اعتراض کنید.

برای اعتراض به این احکام در سراسر جهان پیکت و میتینگ اعتراضی سازمان دهید. در مقابل ساختمان پارلمانهای اروپایی تجمع

کمیته بین المللی علیه اعدام

بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

خاوران: علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟
منصور حکمت: اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود و

یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین يك جمله شما نهفته است.

این مطلب در شماره ۷ فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، پائیز ۱۳۷۹ با عنوان "چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام" بچاپ رسیده است.

اعدام وحشیانه محمد بیجه در پاکدشت، یک راه نجات حکومت جنایتکار اسلامی از پرونده هولناک قتل بیست کودک!

خانواده های بیست کودک که بیجه متهم به قتل آنهاست، امروز که او دیگر زنده نیست چه میگویند!

پرونده هولناکترین جنایت بر علیه کودکان در ایران در طول ۷۰ سال گذشته، با یک صحنه شنیع اعدام و با تحریک احساسات خانواده های داغدار بسته شد. بدون اینکه امکان و شرایط تحقیقات کافی در این مورد به جامعه و افکار عمومی داده شود.

دو کارگر کوره پزخانه های پاکدشت، متهم به قتل بیست کودک شده و خانواده ها در جریان دادگاه از علنی نبودن آن، از ساخت و پاخت مقامات حکومت، از پرده پوشی سهل انگاری نیروهای انتظامی حکومت جنایت اسلامی و از روشن نشدن کل ماجرا شکایت داشتند. کودکان به خانواده های فقیر در این منطقه و اساسا به خانواده های کارگران در کوره پزخانه ها تعلق داشتند. و تعدادی هم از خانواده های افغانستانیهایی بودند که در این کوره پزخانه ها در بدترین شرایط و با کمترین دستمزد و امکانات کار و زندگی میکنند. وقتی اولین کودک مفقود میشود در همان محل بر روی پرونده سرپوش میگذارند و این روند تا مفقود شدن بیست کودک ادامه می یابد. خانواده های کودکان با امضا طومار و اعتراض پرونده را جدی میکنند. و در نهایت هم خودشان اجازه حضور در دادگاه نمی یابند. صحبت از یک شبکه بزرگ است که با قتل کودکان، اعضا بدن آنها را به فروش میرسانند. صحبت از دست داشتن مقامات حکومتی در این جنایات است، صحبت از علت سکوت مقامات حکومتی در این ماجرا است. چرا تا اولین کودک مفقود شد، کسی حتی خبر را به فرمانداری محل رسماً اطلاع نمیدهد. چرا فکر میکنند، چون کودکان از خانواده های فقیر یا افغانی هستند، میتوان سکوت کرد و میتوان قتل کودکان را جدی تلقی نکرد؟ دو جوان بعنوان عاملین قتل معرفی میشوند و همه احساسات و خشم مردم بر علیه یکی از اینها که جرم نفر دوم را نیز به عهده میگیرد، خالی میشود. بیجه اسم رمز، خالی کردن خشم و نفرت صدها نفر داغدیده در این جنایات هولناک است که رژیم اسلامی آنرا سازمان و جهت میدهد و در نهایت دیروز با

صحنه مسمتزر کننده شلاق زدن به بدن بیجه قبل از اعدام، او را در ملا عام با جرنقیل اعدام میکنند و خانواده ها را به سر کار و زندگیشان می فرستند، بدون اینکه امکان مطرح کردن این سوال برایشان باشد، چرا دستگاه انتظامی و قضایی حکومت این پرونده را ماستمالی کرد، بدون اینکه امکان این سوال برایشان باقی مانده باشد، چرا والدین این کودکان حق اقامت در ایران ندارند، در حالیکه در کوره پزخانه ها جان میدهند و سرمایه داران را فریه میکنند، چرا از ترس اقامت خود در ایران خبر چندین جنایت را مخفی کرده و از ترس به رژیم جنایت اسلامی حتی خبر گم شدن فرزندانشان را نمیدهند. چرا

منطقه و شرایطی که این جنایات را باعث شده و سهل انگاری مقامات حکومتی در مورد این جنایات پرده پوشی شود. کردسته جمعی ملی مذهبیون، با مجموعه رسانه های حکومتی از هر دو جناح و رسانه های دوم خردادی که با سمپاتی کامل به این اعدام نگاه کرده و پیشروانه از این صحنه هولناک اعدام به خوشی یاد میکنند. اینها همگی قرار است به وجدان عمومی جامعه درمورد این جنایت آرامش دهد. تا حکومت از زیر تیغ انتقاد و خشم و نفرت مردم برهد. تا حکومت قرون وسطایی و فاشیست اسلامی خود را طرفدار خانواده های مقتولین جا بزند. در حالیکه در جریان دادگاه



همین خانواده ها تظاهرات کرده و به بررسی و سیر غلط رسیدگی اعتراض داشتند. تا همه این اعتراضات و همه این صداها خفه شود و مهمتر از همه تا به اعدام و قتل عمد دولتی در ایران که با موجی از اعتراض رو در روست، رسمیت داده شود. گفته شد ریاست این صحنه هولناک و این اعدام وحشیانه را قاتل زهرا کاظمی به عهده داشت و این بار جلال در نقش "قاضی و قهرمان دفاع از حقوق کودکان" بر امر قتل یک انسان دیگر نظارت میکرد. آیا همه اینها کافی نیست که همان خانواده های داغدار بدانند که این راه دفاع از حق کودکان به قتل رسیده و خودشان نبوده و نیست؟ مصاحبه خبرنگار اعتماد در

لحظات آخر زندگی بیجه، خود یکی از دردناکترین صحنه ها و در عین حال بیانگر برخی از واقعیات همین پرونده است. او که میدانند آخرین لحظات زندگیش است، عامل کشیده شدن خودش به این وضع را " فقر، تجاوز به خودش در سنین کودکی، نداشتن دوست و غمخوار و دلسوز و خانواده میداند" او میگوید که پشیمان است و در روزهای قبل از اعدام برای " خدا" نامه نوشته و درخواست بخشش کرده است. او میگوید که همواره دنبال محبت بوده و چون از کسی اینرا ندیده به این اوضاع افتاده و میخواهد هر چه زودتر اعدام شده و راحت شود. او میگوید که کسی او را درک نکرد و از دو برادرش نیز معذرت خواهی میکند که باعث بی آبرویی آنها شده است. صحنه های اعدام بیجه را باید به سراسر دنیا مخابره کرد. این جنایت هولناک و پرونده پشت آن را باید به همه مردم در دنیا معرفی کرد. باید اینها را به یک مبارزه قویتر بر علیه حکومت جنایت اسلامی تبدیل کرد. باید کاری کرد که جانیان حاکم بر ایران از احساسات مردم برای جا انداختن جنایات خودشان و از جمله اعدام سو استفاده نکنند. دیروز در همان پاکدشت و با همه تبلیغات و تحریک احساساتی که رژیم انجام داده بود و با توجه به اینکه موضوع قتل بیست کودک در میان بود، با وجود همه اینها تعدادی از مردم حاضر در محل با پرتاب سنگ به مزدوران حکومتی به این اعدام وحشیانه اعتراض کردند. ما به همه این عزیزان درود میفرستیم و به مردم در ایران اعلام میکنیم که با حمله به مزدوران حکومتی در هر مورد اعدام باید کاری کنند که دیگر کسی را در ایران اعدام نکنند. تجربه اعتراض و مبارزه ما نشان داده است که میتوان این حربه مهم سرکوب و سرپا ماندن حکومت را از دست جانیان اسلامی گرفت.

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۷ مارس ۲۰۰۵



مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

مصاحبه منصور حکمت با فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

منصور حکمت: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجایی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

خاوران: با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

منصور حکمت: سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکنند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچایشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارعاب میکنند. دارند حکومت میکنند. در

همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

میرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گرانی که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

منصور حکمت: در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری نکنند مردم ببخشندشان.

خاوران: با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباره ی خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

منصور حکمت: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشیرتی و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد

از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازیانده بزند.

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

منصور حکمت: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکنم. متأسفانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببست هایی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلایل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ردیف اول متهمین خواهند بود. من فرقی میان تیموتی مک وای که در اوکلانها آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

خاوران: اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

منصور حکمت: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد.

خاوران: اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

شده، خانه خراب شده، معتاد شده، ورشکست شده، دربردر شده، میتواند برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشیرتی نشسته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند ابژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه ی جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکانندیناوی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکاست.

خاوران: بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو بشود. باید بجای برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند

زیر تیغ اعدام

منوچهر ماسوری



ها، چاشنی حکم مجازات اعدام است.

تصور کرد. شکنجه ای مدام و هرروزه، شکنجه ای روانی که نه آغازی دارد و نه پایانی، شکنجه ای که جای زخمش بر بدن نمی ماند که حداقل به کسی نشانش دهی. زخمی بر روح و روانت که هر روز خونریزی دارد و کسی را یاری پانسمان آن نیست.

لغو مجازات اعدام يك خواست انسانی و شرافتمندانه است. خواستی است که نه خط سیاسی می شناسد و نه مذهب و ملیت. خواستی است که باید برای سلامت آینده جامعه امان بر آن تاکید کنیم. بسیاری کسانی که خواب قتل عام هزاران انسان را در فردای سرگونی رژیم اسلامی می بینند. اینها همان کسانی هستند که بعد از تصویب حساب سیاسی اعدام و اعدام بازمانده گان جمهوری اسلامی، کمر به اعدام و سرکوب مخالفین و معترضین سیاسی خود خواهند بست. سکوت امروز ایشان درباره خواست لغو مجازات اعدام، هیاهوی فردای ایشان را برای اعدام انسانها متعرض، پنهان می کند. ضرورت طرح خواست لغو مجازات اعدام نه تنها در امروز ایران حیاتی و مهم است بلکه برای آینده ایرانی بدور از قتل و جنایت، سرکوب و اختناق، زندان و شکنجه، امری حیاتی و تعیین کننده است.

به راستی اگر چهار تا روانشناس با انصاف از محکومان به مرگ، که منتظر اجرای حکم هستند، يك تحقیقات روانی می کردند، به چه نتیجه ای می رسیدند. شاید هم این تحقیقات شده و من دسترسی به آن ندارم. اما کافی است که هر کدام از ما خودمان را يك هفته جای این محکومین به اعدام بگذاریم. خودمان را در يك چهاردیواری حبس کنیم. و فقط يك هفته به انتظار اجرا حکم اعدام بنشینیم. حتی فکر اینکه محکوم به اعدام هستی و باید یک هفته به انتظار اجرای حکم بمانی، مرا دیوانه می کند تا چه برسد به چهار سال و واقعا منتظر حکم اعدام باشی. بله آسیب شکنجه روانی که يك محکوم به اعدام در انتظار اجرای حکمش می شود، وحشیانه ترین، ضد انسانی ترین و وحشتناکترین شکنجه ایست که می توان

چهار سال پیش در همچین روزی، قاضی دادگاه بدون توجه به دلایل من برای رد اتهاماتی که شاکی عمومی برای من تدارک دیده بود، حکم اعدام مرا قرائت کرد. یعنی 1460 روز و به عبارتی 35040 ساعت و 210240 دقیقه و 126144000 ثانیه است که من در این سلول تنگ و تاریک منتظر اجرای حکم هستم. کلمه امید اسم رمزی است برای نقس کشیدن، احساس زنده بودن، زندگی کردن و گرته ضربه های شلاق زمان از هر شکنجه ای دردناکتر است. میدونی عزیزم، وحشیانه ترین شکنجه ای که تا به حال شده ام، چه نام دارد؟ انتظار. انتظار کشنده به درازای يك عمر. مهربانم، اینروزها خواستم برای زنده ماندن چنان ضعیف شده است که چند بار به خودکشی فکر کردم. آری به خودکشی، حتما تعجب می کنی و از من انتظار نداری، آری من، منی که بیش از هر چیز زندگی را ارج می نهم. منی که برای بهتر زیستن، روزگار تو، بیچه ها و خودم را به سیاهی کشاندم. آری نازنینم، کلمه امید هم دیگر مرا تکان نمی دهد. هر چه هست سکوت است و نجوای دژخینم در باد. مرگ برایم موهبیتی است، اگر مرا یاری دهد و در آغوش

کشد.

کلمات بالا از نامه ای خیالی، از طرف زندانی خیالی برای نازنینی خیالی است. اما آیا این از واقعیت تلخ شکنجه انتظار برای افسانه نوروزی، کبرا رحمانپور و سعید ماسوری و صدها محکوم به اعدام دیگر، ذره ای می کاهد؟ تصور کن که در يك چهاردیواری تنگ و تاریک که از کوچکترین امکانات رفاهی خبری نیست، چهار سال نشستی و منتظری در يك سحرگاه خفه و مه زده، دژخیمان سیاهپوش برای بردنت به پای چوبه دار، درب سلولت را باز کنند. چهار سال انتظار مرگ آوری که هر ثانیه اش، برای تو سالی است. هر ثانیه اش، فکری تو را می آزرده. فکر بیچه هایت، اگر بیچه داری. فکر همسرت، اگر همسر داری. فکر مادرت که اگر هنوز دق مرگ نشده، که چگونه باید خبر مرگ تو را دوام بیاورد. و اگر پدر هنوز عصایش، گامهایش را یاری می دهد، به چه ستونی تکیه دهد که این خبر، کمرش را تا نکند. فکرهايت حتی از شلاق بازجو، آزاردهنده تر است. دلت می خواهد کله ات را به دیوار بکوبی و خودت را از شر این فکرها رها کنی، اما بیفایده است. تو يك محکوم به اعدام هستی و همه این شکنجه

ادامه اعدام دو همجنس گرا در ایران

ادامه از صفحه اول

در اعتراض به حکم اعدام و برای سازمان دادن به یک اعتراض بین المللی علیه صدور احکام اعدام به کمیته بین المللی علیه اعدام بپیوندید

از این سایت ها دیدن کنید:

www.jawanan.org
www.m-hekmat.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.azadizan.com
www.wpiran.org
http://group.yahoo.com/group/javanankomonist/

سایت کمیته بین المللی علیه اعدام: www.adpi.net

حکومت مدافع رفتار خشن و تجاوز به زنان و کودکان، در مقابل هر نوع رابطه جنسی آزادانه و داوطلبانه افراد بنحو ارتجاعی و وحشیانه ای مقاومت میکند و زندگی را در این مورد نیز بر مردم جهنم کرده است. سنگسار صدها زن بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج، دفاع از قتلهاى ناموسی در خانواده ها و یا اعدام و آزار سیستماتیک همجنسگرایان بخشی از کارنامه سیاه این حکومت ضد انسانی است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۷ مارس ۲۰۰۵

کمیته بین المللی علیه اعدام، در اعتراض به

از سایت کمیته بین المللی علیه اعدام دیدن کنید